



● دکتر نسرين بنگداری
روان‌شناس و مشاور خانواده

طلاق به دلیل رفت و آمد با خویشاوندان

اختلافات زوجین بر سر رفت و آمد با خویشاوندان دور و نزدیک، یکی از مسائل شایع و نسبتاً طبیعی در زندگی زناشویی است و کم‌وبیش در بسیاری از خانواده‌ها هم وجود دارد. برخی افراد در خانواده‌هایی رشد یافته‌اند که معمولاً با دیگران رفت‌وآمدی ندارند یا بنا بر دلایلی چون کم بودن فامیل، به معاشرت عادت نکرده‌اند؛ اما بعد از ازدواج مجبور به مهمانی دادن و مهمانی رفتن می‌شوند و این همان نقطه اختلافی است که موجب مشاجره‌های متعدد و حتی گاه جدایی زوج می‌شود. ریشه این مشکل کجاست؟ در موارد بسیار، یکی از زوجین وابستگی زیاد به خانواده خود نشان می‌دهد و دیدارهای مکرر، غیرضروری و بدون برنامه او باعث می‌شود تا همسرش زبان به اعتراض بگشاید و با سرسختی زیاد، مانع از رفت‌وآمد او با خانواده پدری‌اش شود. بسیاری از زوجینی که از این الگوی رفت‌وآمد تبعیت می‌کنند، با وجود اینکه در زندگی شخصی‌شان مشکلات فراوان دارند که حل نشده باقی مانده است؛ درگیری با مشکلات خانواده پدری‌شان را بر حل مشکلات زندگی زناشویی خود ترجیح می‌دهند. در چنین شرایطی، همسران احساس راحتی در منزل خودشان هم ندارند. از آنجا که حضور دائمی عضو میهمان موجب می‌شود که او ناخواسته در جریان بسیاری از مسائل خصوصی، یا حتی اختلافات آن‌ها قرار بگیرد، در نتیجه مرد یا زن به‌طورکلی امنیت خود را از دست می‌دهد و به‌زودی دچار خستگی روانی می‌شود. عده‌ای از زوجین در محیط منزل نیز دست از وابستگی‌شان به خانواده برنمی‌دارند و حتی در



تفاوت‌های رفتاری، گفتاری و منشی از جمله خصیصه‌هایی است که از هر فرد به فرد دیگر، با توجه به اصالت خانوادگی، نوع تربیت و موقعیت اجتماعی و فرهنگی متغیر است. به همین دلیل، همه افراد در برخوردهای خانوادگی و اجتماعی ممکن است با افرادی مواجه شوند که رفتار و کلامشان چندان مطابق با میل و چارچوب آن‌ها نباشد

برخی زوجین، مایل اند مسیر دنیای متأملی را مانند دوران مجردی طی کنند، کاری عبث که نتیجه‌ای جز اختلاف نخواهد داشت. در چنین شرایطی، بهتر است تا دیر نشده فکری برای این موضوع کرده، طی گفت‌وگویی صمیمانه با همسر، میزان علاقه‌مندی به رفت و آمدهای خانوادگی و معاشرت با دوستان، چرایی و چگونگی آن را مورد توجه قرار دهند و با توجه به شرایط زندگی‌شان، برای آن برنامه‌ریزی کنند

زمان حضور همسر در منزل هم مشغول مکالمات تلفنی طولانی‌مدت‌اند. به‌یقین موضوع صحبت نمی‌تواند چیزی جز بازگو کردن مسائل روزمره باشد و همین امر باعث می‌شود پای دیگران به حریم خصوصی زندگی باز شود و همسر فرد فکر کند در تصمیم‌گیری‌های زندگی مشترکش ردپایی از افکار خانواده همسرش وجود دارد. طبیعی است که تکرار چنین اتفاقاتی در طول زمان، به شکل‌گیری بدبینی در یکی از زوجین نسبت به خانواده طرف مقابل منجر شود.

در تعدادی از خانواده‌ها معمولاً یک داماد، عروس یا خواهر و برادر وجود دارد که از ابعاد مختلف بر دیگر اعضای آن خانواده برتری دارد و مورد تعریف و تمجید خانواده است. به‌طور مثال یکی از دامادها تحصیل کرده و مرفه است و دیگری از موقعیت اجتماعی، شغلی و مالی پایین‌تر برخوردار است. در چنین مواردی فردی که در ابعاد مختلف از جایگاه پایین‌تر برخوردار است، چه به‌صورت واقعی و چه در عالم پنداشت‌ها و برداشت‌های خود، احساس حقارت یا حسادت می‌کند و علاقه‌ای به تعامل با اعضای خانواده همسرش ندارد؛ زیرا احساس می‌کند که اطرافیان بین او و دیگری تبعیض قائل می‌شوند.

همچنین خودشیفتگی و زخم زبان‌های اعضای خانواده همسر، حضور عضوی در خانواده همسر که ویژگی‌های اخلاقی مناسب ندارد و یکی از زوجین نگران است مبادا همسرش از آن فرد تأثیر منفی بپذیرد، دخالت خانواده‌ها در مسائل اقتصادی زوجین و تربیت فرزندان آن‌ها و ... همه و همه موجب می‌شود تا زوجین نه‌تنها شخصاً از خانواده همسرشان فاصله بگیرند؛ بلکه مانع از ارتباط همسر با خانواده‌اش نیز بشوند. در همین ارتباط دو مورد از مراجعینی که کارشان به طلاق انجامیده و به مرکز مشاوره خانواده مراجعه کرده‌اند، بررسی می‌گردد.

مورد ۱: مراجع خانمی ۳۸ ساله با تحصیلات کارشناسی، خانه‌دار و دارای یک پسر یک‌ساله است. وی ۶ سال است که ازدواج کرده و پس از بارها قهر و ترک منزل، این بار با تصمیم قطعی برای جدایی، توسط دادگاه خانواده برای آخرین بار به مرکز

مشاوره ارجاع داده شده است. وی علت اصلی تقاضای طلاق خود را علاقه افراطی همسرش به خانواده پدری و اقوام خود می‌داند. خانواده مرد در یکی از شهرستان‌های کشور زندگی می‌کنند و بسیار پر رفت و آمد می‌باشند. آن‌ها به‌طور مداوم با خویشاوندان خود در جمع‌های خانوادگی حاضرند و حتی اقوام دور نیز از این امر مستثنی نیستند. از طرف دیگر، خانواده مراجع، کم‌جمعیت و بسته بوده، کمترین معاشرت را حتی با اقوام نزدیک خود دارند.

در ابتدای آشنایی این زوج، مراجع عدم تمایل خود را نسبت به رفت و آمد زیاد با اقوام مطرح کرده ولی با اصرار همسرش مجبور بوده است که چند بار در سال به شهرستان خانواده همسرش برود و چند روزی را در مهمانی‌های پی در پی بگذراند و به همین صورت خود نیز میزبان مهمان‌های زیاد باشد؛ حال آنکه خودش تنها با پدر، مادر، خواهر و برادرش رفت و آمد داشته است. این خانم به شدت با این امر مخالف بوده، از نظر منطقی دلیلی برای این همه رفت و آمد نمی‌بیند. در طی این ۶ سال، این زوج پیوسته بر سر مسئله فوق بحث و مشاجره داشته و رفته‌رفته از یکدیگر دلسرد شده‌اند. حتی وجود فرزند خردسالشان نتوانسته گرمی را به روابط آن‌ها بازگرداند.

مورد ۲: در این مورد با خانمی ۳۲ ساله، دارای مدرک کارشناسی ارشد و کارمند سروکار داریم. ایشان نیز با موضوع مشابه مورد قبلی روبه‌رو بوده و بسیار عجولانه و تنها بعد از دو سال که از ازدواجش گذشته طلاق گرفته است. اکنون که ۳ سال از طلاقش می‌گذرد، به شدت پشیمان بوده و به دنبال کمک برای برگشتن به زندگی با همسر سابقش به مرکز مشاوره خانواده مراجعه کرده است. البته مورد ایشان کمی متفاوت بوده، رفت و آمد با دوستان را نیز در بر می‌گیرد. همسر ایشان تمایل زیاد داشته که به همراه همسرش با دوستان متأهل خود رفت و آمد کند و گاهی به سفرهای دسته‌جمعی بروند. از همان ابتدا مراجع با این امر مخالفت کرده و در بسیاری از موارد باعث بر هم زدن برنامه‌ریزی‌های دیگر زوجین شده است، به‌طوری‌که در طی دو سال زندگی مشترک، تقریباً رابطه همسر با همه دوستانش قطع شده و این موضوع زمینه را برای نارضایتی و بحث و درگیری

گاهی لازم است زوجین در نوع و نحوه ارتباط خود با خویشاوندان و دوستان تجدیدنظر کنند؛ زیرا در موارد بسیار رعایت نکردن حریم شخصی می تواند زندگی زوج را با مصائب چندی مواجه کند. بی توجهی به این امر در نهایت به دخالت و کنجکاوایی می رسد که معمولاً راهکارهایی شخصی هم به دنبال خواهد داشت و این همان عاملی است که موجب بروز اختلاف و کینه زوجین نسبت به هم و اطرفیانشان می شود

زوج فراهم کرده است.

در طی چند جلسه مشاوره و بررسی علل طلاق، خود مراجع اذعان دارد که همسرش مشکلی نداشته، مسئولیت پذیر و منطقی بوده است و خود او به دلایل واهی و حتی تنبلی و کم حوصلگی، زندگی خوب خود را از دست داده است.

راهکارهایی برای کاهش مشکلات در رفت و آمد با خویشاوندان و دوستان

برخی زوجین، مایل اند مسیر دنیای متأهلی را مانند دوران مجردی طی کنند، کاری عبث که نتیجه ای جز اختلاف نخواهد داشت. در چنین شرایطی، بهتر است تا دیر نشده فکری برای این موضوع کرده، طی گفت و گویی صمیمانه با همسر، میزان علاقه مندی به رفت و آمدهای خانوادگی و معاشرت با دوستان، چرایی و چگونگی آن را مورد توجه قرار دهند و با توجه به شرایط زندگی شان، برای آن برنامه ریزی کنند و با تنظیم قراردادی دوفره، برای اجرای آن، تمامی تلاش شان را به کار گیرند.

گاهی لازم است زوجین در نوع و نحوه ارتباط خود با خویشاوندان و دوستان تجدیدنظر کنند؛ زیرا در موارد بسیار رعایت نکردن حریم شخصی می تواند زندگی زوج را با مصائب چندی مواجه کند. بی توجهی به این امر در نهایت به دخالت و کنجکاوایی می رسد که معمولاً راهکارهایی شخصی هم به دنبال خواهد داشت و این همان عاملی است که موجب بروز اختلاف و کینه زوجین نسبت به هم و اطرفیانشان می شود. زوجین باید به دنبال کسب اعتماد و امنیت یکدیگر باشند، نه آنکه همدیگر را نسبت به این مهم نگران و حساس کنند.

اگر چه نمی توان منکر برخی رفتارهای ناپخته اطرفیان نسبت به زوجین شد؛ اما به یقین ترک معاشرت هم چاره کار نیست. از سوی دیگر، گاهی احساس حسادت و حقارت باعث می شود که فرد مبتلا به آن در تفسیر رفتارها و گفته های اطرفیان دچار سوء تفاهم شده، برداشت های شخصی، که گاه کاملاً برخاسته از آن احساس ضعف است، به گونه ای کاملاً اغراق شده نمایان شود. علت هر چه باشد، این زن و شوهرند که باید برای رهایی و خلاصی خود کاری کنند. بهتر است خود را آن گونه که هستند

بپذیرند و برای بروز توانایی ها و استعداد های خود تلاش کنند؛ زیرا همه انسان ها دارای نقاط قوتی اند که با شناسایی آن ها می توانند مسیر دیگری از ارتباط با خویشاوندان و آشنایان را تجربه کنند.

تفاوت های رفتاری، گفتاری و منشی از جمله خصیصه هایی است که از هر فرد به فرد دیگر، با توجه به اصالت خانوادگی، نوع تربیت و موقعیت اجتماعی و فرهنگی متغیر است. به همین دلیل، همه افراد در برخوردهای خانوادگی و اجتماعی ممکن است با افرادی مواجه شوند که رفتار و کلامشان چندان مطابق با میل و چارچوب آن ها نباشد. حال اگر این مسئله در خانواده همسر اتفاق بیفتد، عده ای از همسران، به گونه ای ناشایسته وارد میدان عمل می شوند؛ مثلاً ممکن است از موضع برتری خود با آن مقابله کنند یا این مشکل را همچون پتکی، دائم بر سر همسرشان فرود آورند؛ اگر چه می توان به گونه ای کاملاً مدبرانه هم این مسئله را مورد توجه قرار داد. بی تردید شایسته نیست همسران تاوان اشتباهات اطرفیان را بدهند.

در خاتمه متذکر می گردد همیشه این طور نیست که همسران صرفاً به دلیل رفتارهای نادرست اطرفیان با آن ها قطع رابطه کنند؛ در واقع گاهی اوقات مشکل از خود آن هاست. حتی ممکن است اطرفیان خیلی به آنان محبت کنند؛ ولی چون آن ها به طور کلی افرادی منزوی و گوشه گیرند باز هم از داشتن روابط اجتناب ورزند. برای پی بردن به این موضوع باید بررسی کرد که آیا فرد برای ارتباط داشتن با دیگران از جمله خانواده و دوستان خود نیز بی انگیزه است یا فقط برای رفت و آمد با خانواده همسرش مشکل دارد. اگر این مشکل در دیگر ارتباط ها هم دیده می شود، لزوم بهره گیری از مشاوره حضوری لازم است. گاهی اوقات نیز برآورده نشدن برخی توقعات باعث ایجاد دلخوری و قطع رابطه می شود. به عنوان مثال ممکن است فردی توقع حمایت مالی از خانواده همسرش داشته باشد. در چنین مواردی نیز می توان با گفت و گو این اختلاف و سوء تفاهم را حل و فصل کرد. در کل بهتر است دلایل عدم تمایل به رفت و آمد با اطرفیان توسط زوجین بازگو شود و مورد بررسی قرار گیرد. ♦